

فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال نهم، شماره سوم (پیاپی ۳۳)، پاییز ۱۳۹۹
شاپای چاپی ۲۱۳۱-۲۳۲۲ شاپای الکترونیکی ۴۷۶X-۲۵۸۸
<http://serd.khu.ac.ir>
صفحات ۱۶۴-۱۴۱

نقش تنوع فعالیت‌های اقتصادی در کیفیت زندگی مهاجران بازگشته به روستاها مورد: روستاهای غرب شهرستان مریوان

سعدی محمدی*؛ عضو هیئت علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.
سروه شهبازی؛ کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران.

پذیرش نهایی: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۹/۱۳

چکیده

امروزه ارتقای سطح کیفیت زندگی و تبدیل محیط‌های روستایی به محیط‌های قابل زیست؛ جهت کار، فعالیت و زندگی، آرمان اصلی برنامه‌ریزان توسعه به‌منظور جلوگیری از مهاجرت‌های گسترده، جذب و بازگشت مهاجرینی است که از روستاها به دلیل فقر و بیکاری مهاجرت نموده‌اند. در این راستا امروزه تنوع‌بخشی اقتصادی راهکار مطمئنی است که توانایی ترسیم چشم‌انداز روشنی از ارتقای سطح کیفیت زندگی روستاییان را با پایدارنمودن معیشت آن‌ها دارد. به‌منظور تبیین این اثرگذاری، پژوهش کاربردی حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی مبتنی بر مقایسه دو دوره قبل (سکونت در شهر) و بعد (بازگشت به روستاها) به بررسی وضعیت کیفیت زندگی خانوارهای روستایی بازگشته به نقاط روستایی بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان پرداخت که به دنبال تنوع فعالیت‌های اقتصادی انجام‌شده، با بازگشت مهاجران روبرو شده است. جمع‌آوری داده‌ها در بخش نظری، به روش اسنادی و در بخش عملی به روش پیمایشی مبتنی بر توزیع پرسشنامه در میان ۱۴۴ سرپرست خانوار روستایی بازگشته به روستاها به روش تمام سرشماری و مصاحبه با آن‌ها انجام پذیرفت. پس از تجزیه و تحلیل با آزمون‌های آمار استنباطی (ویلیکاکسون، تی‌زوجی و همبستگی)، نتایج نشان داد که به دنبال تنوع فعالیت‌های اقتصادی ایجادشده و بازگشت مهاجران به روستاها جهت منتفع شدن از منافع آن، کیفیت زندگی آن‌ها نسبت به دوره سکونت در شهر بهبود یافته و این شاخص اقتصادی کیفیت زندگی است که بیشترین تأثیر را در ارتقای سطح کیفیت زندگی مهاجران بازگشته دارد.

واژگان کلیدی: تنوع فعالیت، فعالیت اقتصادی، اقتصاد روستایی، مهاجرت بازگشتی، کیفیت زندگی، شهرستان مریوان.

* Saadi@pnu.ac.ir

(۱) مقدمه

بسیاری از افراد و خانوارهای روستایی به دلایل اقتصادی از روستاها مهاجرت می‌کنند چراکه آن‌ها راهکار دیگری برای غلبه بر فقر و بیکاری روستاها ندارند (FAO, 2016; Ma, 2001: 237). باید پذیرفت که چشم‌انداز سنتی توسعه روستایی مبتنی بر کشاورزی صرف، منسوخ شده است. هم‌اکنون در سطح جهان به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه بسیاری از روستاها درآمدهای زیادی را از فعالیت‌های غیر کشاورزی کسب می‌کنند (Haggblade, 2006: 2). تنوع و روی آوردن به منابع جدید معیشتی یکی از استراتژی‌های مهم در خانوارهای روستایی، جهت افزایش سطح کیفیت زندگی و بازسازی آن به دنبال تهدیدهای وارده بر نظام معیشتی‌شان است (Assan, 2014: 2). در واقع زمانی می‌توان به جذب و نگهداشت جمعیت و بازگشت مهاجران روستایی امیدوار بود که فضای روستایی از فضایی منزوی با سطح نازل کیفیت زندگی به فضای قابل زیست و تعالی برای روستاییان بدل گردد. زیست‌پذیری مفهومی گسترده است و پیچیده که کیفیت زندگی در مرکز آن قرار می‌گیرد (رضوانی و خراسانی، ۱۳۹۲: ۱؛ غفاری و امیدی، ۱۳۸۹: ۵۶). کیفیت زندگی وابسته به احساس شادی یا ناخشنودی، رضایت یا عدم رضایت فرد از زندگی است (Sonja, 2003: 6) و منعکس‌کننده رفاه افراد است (فراهانی، ۱۳۸۷: ۷۱) چنانچه کیفیت زندگی را همپای توسعه روستایی تعریف نماییم (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷: ۳۲)، متنوع بودن فعالیت‌های اقتصادی روستاها با رفع مانع اصلی تحقق توسعه روستایی و عامل مهاجرت اجباری روستاییان یعنی فقر، منجر به پایداری نظام روستایی می‌شود چراکه انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری بیشتر روستاییان را در مواجهه با روندهای ناگهانی و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی به همراه دارد (Ellis, 1999: 4) که در نهایت سطح مطلوب کیفیت زندگی روستاییان و معکوس نمودن روند مهاجرت‌ها را موجب می‌گردد.

در ایران، پدیده مهاجرت معکوس به صورت رو به رشدی به چشم می‌خورد، به گونه‌ای که در دوره آماري ۱۳۹۰-۱۳۸۵ ۱۳,۶ از حجم کل مهاجرت و در دوره آماري ۱۳۹۵-۱۳۹۰ نیز ۷۵۵۵۴۶ نفر به روستاهایشان بازگشته‌اند و دولت با برنامه‌ریزی‌های موجدانه از طریق بهبود شرایط اقتصادی روستاها با تنوع‌بخشی به آن، قصد بر رشد این پدیده را دارد (مهاجرانی و روستا، ۱۳۹۳: ۱۰؛ علی بابایی و جمعه پور، ۱۳۹۵: ۹۲؛ کریم زاده، ولایی و منافی آذر، ۱۳۹۵: ۱۳۰). در این میان وضعیت منطقه مورد مطالعه یعنی بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان به‌عنوان یکی از بخش‌های مرزی و محروم کشور که به دلیل دورافتاده و در حاشیه بودن، روستاییان ساکن در آن، دارای سطح نازل معیشت بوده و بازتاب آن را نیز می‌توان در مهاجرت‌های گسترده به شهر مریوان و تخلیه و کاهش جمعیت ساکن روستاهای بخش در سال‌های قبل دید، به طوری که در سرشماری ۱۳۷۵ این بخش دارای ۱۲۳۰۲ نفر جمعیت و ۲۷۶۳ خانوار بوده است و در سرشماری ۱۳۹۰ جمعیت بخش به ۱۱۴۰۷ نفر و ۱۹۹۶ خانوار ساکن کاهش یافت (مرکز آمار ایران، ۱۳۷۵-۱۳۹۰) کاهش جمعیت در دو دوره اخیر سرشماری را می‌توان در چند دلیل عمده جستجو کرد؛ اول اینکه با توجه به اجرای سیاست‌های تنظیم جمعیت در کشور، رشد تعداد مطلق روستائیان کاهش یافت، دلیل دوم کاهش فعالیت‌های قاچاق و در واقع حذف آن در سطح منطقه بود. فعالیت‌های قاچاق که سهم عمده‌ای از درآمد روستائیان این بخش را تأمین می‌کرد دیگر وجود نداشت و

در نتیجه بسیاری از بومیان از منطقه مهاجرت کردند و بیکاری به صورتی چشمگیر گسترش یافته است تا مهاجرت چاره آخر باشد البته باید این مطلب را نیز اضافه کرد که چند خشکسالی و بهره‌برداری زیاد از آب زیرزمینی منطقه و عدم حمایت از کشاورزان نیز دلایلی دیگر در راستای تسریع روند مهاجرت‌ها است، دلیل سوم را می‌توان تغییر نگرش نسل جدید روستاییان منطقه به زندگی در روستا دانست در واقع زرق و برق شهر مریوان که البته همواره در چندین سال اخیر به دلیل رونق گمرک رسمی باشماق و فعالیت‌های قاچاق به‌عنوان مرکز تجاری و توریستی حتی در سطح کشور نیز مطرح شده است، بسیاری از جوانان را به سوی خود جذب نموده است در این میان مهاجرت افرادی که به تازگی ازدواج کرده‌اند و یا چند سالی از ازدواج آن‌ها می‌گذرد، چشمگیر بود ادامه این روند کاهشی و ناامیدکننده موجب گردید که از سوی نهادهای برنامه‌ریز دولتی اقداماتی در راستای رفع فقر، بیکاری، نگهداشت و افزایش جمعیت روستاها انجام گیرد (رستمی، ۱۳۹۵: ۶۰). بنابراین این مسائل مسئولان و برنامه‌ریزان توسعه را مجاب نمود که در راستای تحول معیشت روستاییان اقداماتی را انجام دهند. اقداماتی نظیر تأسیس بازارچه‌های مرزی، پویا شدن منبع گذران دیگر معیشت، یعنی دامداری؛ با فراهم‌سازی زمینه‌های جمع‌آوری هرروزه شیر از سطح روستاها و رونق گردشگری در روستاهای هدف گردشگری به همراه رونق دوباره فعالیت‌های زراعی و باغداری با اقدامات انجام‌گرفته از سوی جهاد کشاورزی شهرستان، مهم‌ترین اقدامات انجام‌گرفته در راستای تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاهای منطقه هستند که یکی از ثمرات مهم آن جذب جمعیت و بازگشت مهاجرانی بوده که در شرایط رکود اقتصادی به دلیل انسداد مرزها، حذف قاچاق کالا و عدم وجود منابع فعالیتی جایگزین به‌ناچار از منطقه مهاجرت کرده بودند. اقداماتی که موجب متنوع اقتصاد روستایی منطقه گشته و نتیجه این امر نیز، همانطور که در بازدیدهای میدانی و قدر مسلم در نتایج سرشماری آینده نیز مشاهده می‌گردد افزایش جمعیت روستاها و کنترل رشد منفی جمعیت به‌واسطه بازگشت بسیاری از مهاجرانی است که زمانی به دلیل فقر و بیکاری از روستاها منطقه کوچ کرده بودند و هم‌اکنون بارونق اقتصادی ایجادشده دوباره به روستاهای خود بازگشته‌اند.

بنابراین به دنبال رونق تنوع‌بخشی فعالیت‌های اقتصادی تعداد زیادی از مهاجران روستایی به روستاهایشان برگشته‌اند تعداد خانوارهای روستایی بازگشته حدود ۱۴۴ خانوار معادل ۸۳۴ نفر جمعیت است (مطالعات میدانی نویسندگان، ۱۳۹۵) که این جمعیت بازگشتی عموماً در کارهای کشاورزی و امورات مربوط به آن مشغول به فعالیت شده‌اند، حال پژوهش حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال‌ها است که مهاجرانی که به دنبال تنوع فعالیت‌های اقتصادی از شهر به روستاهایشان بازگشته‌اند، وضعیت کیفیت زندگی آن‌ها چه تغییراتی را نسبت به دوره‌ای که در شهر به سر می‌بردند، داشته است؟ و کدامیک از شاخص‌های کیفیت زندگی، بیشترین تأثیر را در تغییر سطح کیفیت زندگی آن‌ها داشته است؟ آیا بهبود شاخص اقتصادی کیفیت زندگی موجب بهبود سایر شاخص‌های کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی گردیده است؟ در این راستا فرضیات پژوهش بدین گونه مطرح می‌شود: ۱- به دنبال تنوع فعالیت‌های اقتصادی، مهاجرانی که از شهر به روستاهایشان بازگشته‌اند، وضعیت کیفیت زندگی آن‌ها نسبت به دوره‌ای که در شهر به سر می‌بردند بهبود یافته است. ۲- شاخص‌های اقتصادی کیفیت زندگی، بیشترین تأثیر را در تغییر

سطح کیفیت زندگی مهاجران بازگشته داشته‌است. ۳- بهبود شاخص اقتصادی کیفیت زندگی موجب بهبود سایر شاخص‌های کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی گردیده‌است.

(۲) مبانی نظری

یکی از رویکردهای مهم توسعه روستایی، متنوع سازی اقتصاد روستاها و تأکید بر ایجاد فرصت‌های جدید اقتصادی در نواحی روستایی است. تنوع اقتصادی می‌تواند به فعالیت‌های اعضای خانواده جهت بهبود وضعیت اجتماعی و استاندارد زندگی اطلاق گردد. در برخی منابع دیگر تلاش‌های انجام‌شده از سوی خانوارهای روستایی برای جست‌وجوی راه‌های جدید زنده ماندن، گذران زندگی و تحمل و مقابله با شوک‌ها و تهدیدها به‌عنوان تنوع‌بخشی اقتصادی تعریف‌شده است (Mphande, 2016:25). تنوع‌بخشی اقتصادی، سیستم‌های معیشتی روستاییان را در برابر شوک‌های اقتصادی، روندهای فصلی و بحران‌های طبیعی مقاوم نموده و آسیب‌پذیری آن‌ها را کاهش می‌دهد (Ellis and Allison, 2004:1) تنوع بخشیدن به اقتصاد روستاها در واقع حرکت در مسیر اصل اساسی رویکرد توسعه انسانی است چراکه به افزایش و آزادی قدرت انتخاب روستاییان و توانمندی آن‌ها ختم می‌گردد (Morse, 2013:24). متنوع سازی اقتصاد روستایی و منافع حاصل از آن، زمینه‌ساز جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم محلی در ارتباط با حفاظت از محیط‌زیست و مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌گردد و بدین ترتیب در کنار رفع فقر اقتصادی، فقر فرهنگی هم از بین می‌رود (Warren, 2002:2) تنوع، شالوده و اساس ثبات و پایداری است و پایداری فقط هنگامی پدید می‌آید و باقی می‌ماند که سیستم دارای تنوع در اجزا باشد و درنهایت تنوع کارکردی خود را در جهت ثبات، حفظ نماید. افزایش تنوع؛ پیچیدگی ذاتی سیستم‌ها را افزایش می‌دهد و از این طریق فرایندهای آن را تقویت می‌کند، می‌توان گفت، آنتی‌تز ناپایداری؛ ایجاد تنوع است (جوان و قاسمی، ۱۳۹۳:۲۴۶) بنابراین می‌توان گفت که در راستای دستیابی به مناطق روستایی پایدار، مهم‌ترین و مؤثرترین راهکار، تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی است (West-European Working Group, 2003:8). پل باران با انتقاد از وضعیت اقتصادی کشورهای تک‌محصولی توصیه می‌کند که این کشورها به دنبال اقتصاد با تنوع فعالیت‌های اقتصادی بروند تا بتوانند زمینه نجاتشان از بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را فراهم آورند (جوان و مکرر، ۱۳۹۰:۵۱). مهم‌ترین استدلال طرفداران اصل تنوع‌بخشی اقتصادی جهت حمایت از این رویکرد، زمینه‌ساز بودن تنوع‌بخشی، جهت تحقق رشد سریع اقتصادی و مبتنی بر عدالت بخشی در نواحی روستایی است (Assan, 2014:1). اهمیت ایجاد شغل و تنوع‌بخشی اقتصاد به حدی است که امروزه اندیشمندان توسعه روستایی؛ توسعه اقتصادی و معیشتی روستاها را استراتژی می‌دانند که معادل تحقق خود توسعه روستایی است (علیپور و پایدار، ۱۳۹۵:۴۶)

از طرفی دیگر از برگشت جمعیت یا جریان ضد شهرنشینی با عنوان مهاجرت معکوس نام‌برده می‌شود (قاسمی، جوان و صابری، ۱۳۹۳:۱۹). مهاجرت بازگشتی به مبدأً عموماً از شهرها به روستاها و از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک و به بازگشت افراد به سرزمین اصلی خود بعد از دوره‌ای اقامت در

محل دیگری، اطلاق می‌گردد (بابایی و جمعه‌پور، ۱۳۹۵: ۹۳). مهاجرت معکوس به‌عنوان فرآیندی چندبعدی از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و جغرافیایی از ۱۹۶۰ مطرح و به‌ویژه از ۱۹۸۰ مورد بحث و بررسی و نظریه‌پردازی قرار گرفته است (Farrell and et all, 2014:128). در نظریه اقتصاددانان نئوکلاسیک، مهاجرت بر تفاوت دستمزدهای مبدأ و مقصد استوار بوده و مهاجرت معکوس نشان از یک تجربه شکست‌خورده است که از این دیدگاه، این نوع مهاجرت شامل افرادی می‌شود که در مورد هزینه‌های مهاجرت اشتباه کرده و نتوانسته‌اند درآمد بالاتری دریافت نمایند. در مقابل، در رویکرد اقتصاد جدید مهاجرت کار به مهاجرت معکوس به‌عنوان نتیجه منطقی یک راهکار حساب‌شده خانواده جهت غلبه به ریسک‌ها و موانع فعالیت و سرمایه‌گذاری آن‌ها در مبدأ می‌نگرند و آن را دستاورد یا هدف غایی مهاجرت می‌دانند. در این رویکرد، سطح استقلال در تصمیم‌گیری از فرد به خانواده تغییر می‌یابد و مهاجرت معکوس در نتیجه یک تجربه موفق است که مهاجران دارای درآمد بیشتری بوده و ثروت خود را به مبدأ می‌آورند. کاسترینو (۲۰۰۴) این رویکردهای اقتصادی و مالی را به دلیل غفلت از ویژگی‌های اجتماعی و فرهنگی مورد انتقاد قرار داده و رویکرد ساختاری که بازتاب دیدگاه سیستمی به مهاجرت است را ارائه می‌دهد که مهاجرت معکوس را نه تنها یک مسئله شخصی و مالی بلکه یک فرآیند اجتماعی و تحت تأثیر عوامل ساختاری (نهادی، اجتماعی، فرهنگی) در دو محیط مبدأ و مقصد می‌داند. از دیدگاه تمرکززدایی شهری، حرکت به سمت حومه‌ها و نواحی روستایی نوعی واکنش به مشکلات و معضلات نواحی شهری و تلاش در جهت دستیابی به کیفیت مطلوب‌تر زندگی توسط مهاجرین است (Haas and Farrel and et all, 2014:128 ;Farrel and (Mahon, 2012:33-35; Fokkema, 2015:417

العی و کوسر (۲۰۰۲) معتقدند که بازگشت مهاجران به محیط مبدأ متأثر از تمایلات ذهنی و وابستگی‌های شخصی و دارای پس‌زمینه‌ها تاریخی و اجتماعی است. در این راستا است که رویکرد شبکه‌های اجتماعی در بحث مهاجرت معکوس مطرح گردیده و تأکید اصلی آن بر تعلقات، سرمایه‌های اجتماعی، وابستگی‌های ذهنی و ارتباطات قوی احساسی فرد مهاجر با محیط مبدأ و سایر مهاجرین بازگشته است و بر این اساس، علاوه بر عوامل محسوس، عوامل نامحسوس (ذهنی و شخصی) در بازگشت مهاجران مؤثر است (Guchteneire 2004:226). برخی از پژوهشگران علوم اجتماعی، نظریه راونشتاین را به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌های مهاجرتی برمی‌شمارند. راونشتاین ابتدا در سال ۱۸۸۵، در مقاله‌ای با عنوان قوانین مهاجرت، نظریه‌های خود را بیان کرد و سپس در سال ۱۸۸۹ به تکمیل آن پرداخت (آقایی زاده، افراخته و میره، ۱۳۹۰: ۱۰۴) دیدگاه وی را می‌توان در قالب نظریه جذب و دفع مهاجرتی جای داد. مهم‌ترین قوانین مهاجرتی راونشتاین اقتصادی بودن مهاجرت و داشتن جریان بازگشتی یعنی از شهر به روستا در هر مهاجرت روستایی است البته در این ارتباط بایستی عوامل جذب و دفع توجه گردد و شرایط آن فراهم آید. در ادامه لی (۱۹۶۶) عوامل مداخله‌گر (هزینه‌های سفر، مسافت، ارتباط سیاسی-اقتصادی بین مبدأ و مقصد و ...) را در کنار عوامل جذب و دفع، مطرح و نیز وی به عوامل شخصی همچون: هوش و آگاهی‌های اجتماعی، سن و نیازهای ویژه و... در جریان روی دادن مهاجرت معتقد است که تعریف، شدت و اهمیت عوامل دافعه و جاذبه را متفاوت می‌نماید. در مدل روستو (۱۹۶۰) که بر پایه

دیدگاه مدرنیزاسیون، تحرک افراد و جریان مهاجرت را در فضا و زمان، براساس روندی پنج مرحله‌ای ترسیم می‌کند؛ در مرحله دوم توسعه یعنی مرحله ماقبل جهش مهاجرت از روستا به شهر و در مرحله آخر توسعه یعنی تولید انبوه و شکل‌گیری جامعه پیشرفته به مهاجرت‌های معکوس و از شهر به روستا معتقد است (Fryklund, 2013:23).

فارل و ماهن (۲۰۱۲) در مقاله‌ای با عنوان روستاها به‌عنوان مقاصد بازگشتی مهاجران در ایرلند به این نتیجه می‌رسند که مهاجران بازگشتی به روستاها برخلاف رویکرد نئوکلاسیک نه به خاطر شکست در دست آوردن منابع مالی بلکه در قالب رویکرد ساختاری و رویکرد جدید مهاجرت کار بوده و این مهاجرین با به دست آوردن سرمایه‌های مالی و اجتماعی و با ظرفیت‌های زیاد و توسط شبکه‌های اجتماعی به روستاها بازگشته‌اند و ارزشمند واقع شده‌اند. همچنین مهاجران بازگشتی تأثیر منفی اجتماعی بر نواحی روستایی نداشته و موجب بهبود وضعیت زندگی در روستاها شده‌اند.

هاس و فوکیما (۲۰۱۵) در پژوهشی دیگر تحت عنوان مهاجرت بازگشتی به‌عنوان شکست یا موفقیت (مطالعه‌ای بر روی مهاجران بازگشتی مراکشی از اروپا) بیان می‌کنند که مهاجران پس از بازگشت به سرمایه‌گذاری سرمایه‌های مالی خود پرداخته و هرچه زمینه‌های سرمایه‌گذاری بیشتر بوده مهاجرت بازگشتی نیز افزایش یافته‌است.

زو (۲۰۱۰) در مقاله‌ای با عنوان مهاجران بازگشتی؛ افزایش کارآفرینی در مناطق روستایی چین به این نتیجه می‌رسد که مهاجران بازگشتی به‌واسطه داشتن ظرفیت‌های مطلوب حاصل از مهاجرت (سرمایه‌های مالی، توان کار عملی و تجربه کاری) در نواحی روستایی چین مفید فایده واقع شده و توانسته‌اند در مقایسه با روستاییانی که مهاجرت نکرده‌اند، خوداشتغالی و فعالیت‌های کارآفرینی بیشتری ایجاد نمایند و موفق‌تر باشند. در نتیجه‌ای مشابه نیز ما (۲۰۰۱) مهاجرت نیروی کار روستایی را عامل مهمی در ارتقای سطح توانمندی و قدرت خوداشتغالی روستاییان چینی، پس از بازگشت بیان می‌کند. فارل و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش دیگر بر روی مهاجران بازگشتی به مناطق روستایی ایرلند و لیتوانی به این نتیجه رسیدند که مهاجران به دنبال کسب یک تجربه موفق کاری و عملی از مهاجرت و دستیابی به اهداف خود زمانی که به مناطق روستایی بازگشته‌اند به راه‌اندازی کسب‌وکار و انتقال تجربیات‌شان پرداخته‌اند که این وضعیت در ایرلند موفق‌تر بوده است.

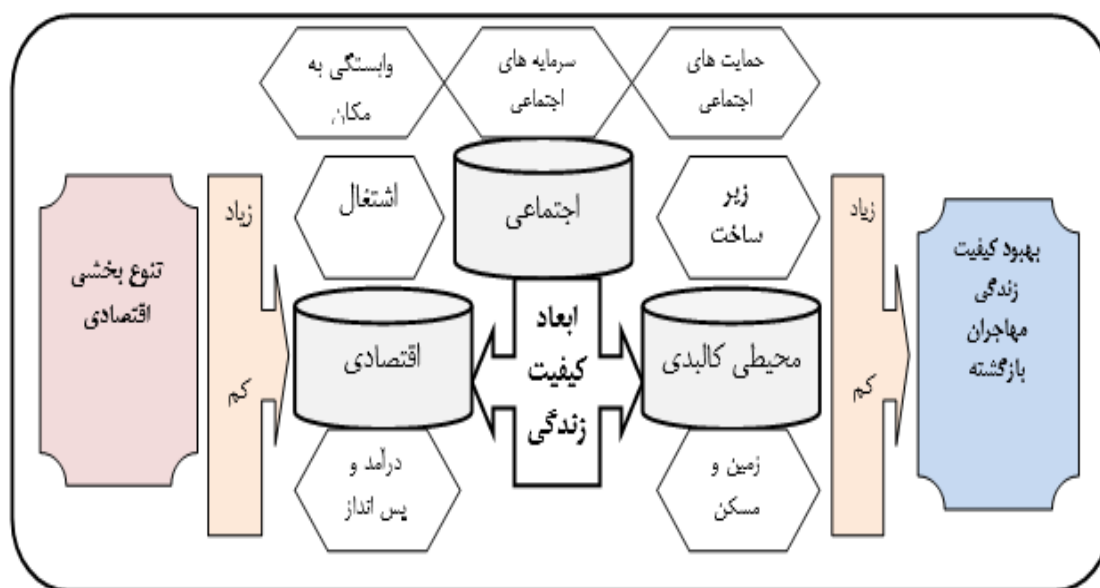
ولایی و محمدی یگانه (۱۳۹۳) در تحقیقی با عنوان تنوع‌بخشی به اقتصاد روستاها جهت تحقق توسعه پایدار مورد: دهستان مرحمت‌آباد شمالی شهرستان میاندوآب نتایج نشان می‌دهد که بین تنوع اقتصادی روستاها و میزان پایداری آن‌ها رابطه معناداری وجود دارد به طوری که با افزایش تنوع اقتصادی در سطح روستاهای مورد مطالعه، میزان پایداری هر یک از روستاها نیز افزایش می‌یابد در پژوهش محمدی و رستمی (۱۳۹۸) با عنوان تدوین راهبردهای متنوع‌سازی اقتصادی روستاها مورد بخش خاوومیرآباد نتایج نشان می‌دهد که راهبردهای مؤثر جهت بهبود وضعیت تنوع‌بخشی اقتصادی روستاهای منطقه، راهبردهای تهاجمی است. همچنین تحقیق یاسوری و جوان (۱۳۹۴) در رابطه با تحلیل محدودیت‌های تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی مورد دهستان اشکور علیا یافته‌ها نشان می‌دهد که موانع

زیرساختی و نهادی با ضریب تأثیر ۰,۶۳۳، عوامل محیطی، با ۰/۴۴۹، عوامل اقتصادی با ۰/۱۰۶ و عوامل اجتماعی با ۰/۰۹۳ در عدم تنوع اقتصادی نواحی روستایی منطقه نقش دارند.

در پژوهشی دیگر قاسمی، جوان و صابری (۱۳۹۳) دسترسی به شغل، آب و هوای مناسب و دسترسی به خدمات و امکانات را مهم‌ترین دلایل رقم خوردن مهاجرت معکوس در شهرستان بینالود برمی‌شمارند. نتایج به دست آمده در پژوهش ربانی، طاهری و روستا (۱۳۹۰) در ارتباط با انگیزه‌های مهاجرت معکوس در شهرستان رامسر و تنکابن، حاکی از وجود ارتباط مثبت و معنادار بین متغیرهای تعلق بومی و داشتن درآمد در انگیزه مهاجرت معکوس و وجود رابطه منفی و معنادار بین مسافت و انگیزه مهاجرت معکوس و عدم ارتباط معنادار بین متغیرهای سن، سطح تحصیلات، نوع شغل و نوع مسکن با انگیزه مهاجرت معکوس است. بابایی و جمعه پور (۱۳۹۵) نیز، در پژوهش خود بر روی فرآیند مهاجرت معکوس شهرستان بینالود به این نتیجه می‌رسند که افزایش سطح توسعه روستاها در بعد اقتصادی و کالبدی در کنار شرایط نامساعد مهاجران در شهر، مهم‌ترین دلایل رجوع مهاجران به روستاهایشان بوده است. با بررسی این مطالعات درمی‌یابیم که در مطالعات داخلی، مهاجرین بازگشتی بر کیفیت زندگی تأکید داشته و به دلیل شرایط نامساعد شهری (بیکاری، کم درآمدی، گرانی و هزینه‌های زیاد و...) و به امید دستیابی به کیفیت مطلوب‌تر زندگی به روستاها به دلیل مسکن ارزان‌تر، هزینه‌های کمتر زندگی، نزدیکی به محل کار در شهرها و... بازمی‌گردند این در حالیست که در عرصه بین‌المللی و کشورهای توسعه‌یافته، اصل برابری و عدالت در سطح کیفیت زندگی در هر دو ناحیه شهری و روستایی انجام گرفته و بیشتر وابستگی‌های اجتماعی است که سبب بازگشت مهاجرین به روستاها گردیده و این افراد نیز به دلیل توانمند شدن در جریان مهاجرت‌شان در توسعه نواحی روستایی مفید فایده واقع گردیده‌اند، شرایطی که در مهاجرین بازگشتی کشور مشاهده نمی‌گردد.

بنابراین در مهاجرت بازگشتی ایران بیشتر نظریه شکست اقتصاد نئوکلاسیک غلبه دارد و بر طبق رویکرد معیشت پایدار، مهاجرت در این حالت، تصمیم عمدی، اجباری و مهم‌ترین راهبرد معیشتی خانواده‌ها در جهت تأمین و پایداری معیشت‌شان است که اتخاذ می‌گردد (FAO, 2016:8; Fouracre, 2001:3; Mukherjee, 2006:33; ۲۰۰۱:۳). تا بدین ترتیب به کیفیت مطلوب زندگی دست یابند. کیفیت زندگی وابسته به احساس شادی یا ناخشنودی، رضایت یا عدم رضایت فرد از زندگی است (Sonja, 2003:6) و منعکس‌کننده رفاه افراد است (فراهانی، ۱۳۸۷:۷۱) که به شرایط اقتصادی مردم در عین حال ارتباطات و وضعیت اجتماعی، سلامتی (جسمی و روانی)، احساس ارزشمند بودن و پایداری محیط بستگی دارد (Cagliero, 2010:315-316). بنابراین کیفیت زندگی دربرگیرنده دو بعد عینی (شاخص‌های قابل اندازه‌گیری: میزان درآمد) و ذهنی (پاسخ‌های روانی: رضایت شغلی، احساس آرامش) است (Susniene ۲۰۰۹:۵۹، رضوانی، ۱۳۹۰:۲۴). کیفیت زندگی مفهومی مشابه با مفهوم خوب بودن، در نواحی روستایی دربرگیرنده ارتقای دو بعد مهم یعنی: قابلیت زندگی (دسترسی به خدمات، کیفیت محیط‌زیست و شبکه‌های اجتماعی) و معیشت مردم (چگونگی کسب درآمد) است (Cagliero, 2010:315-316). در واقع، فقر و بیکاری گسترده در نواحی روستایی ضرورت بهبود

وضعیت اقتصادی را به‌عنوان مهم‌ترین جنبه کیفیت زندگی و محرک سایر ابعاد توسعه روستایی مطرح می‌سازد و در این راستا نیز با توجه به منسوخ شدن اقتصاد تک‌محصولی مبتنی بر کشاورزی سنتی، تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی مورد تأکید و برنامه‌ریزی است. تنوع بخشیدن به معیشت روستاییان به‌عنوان فرآیندی تعریف‌شده است که خانوار روستایی دارای گزینه‌های مختلفی از فعالیت‌های اقتصادی و درآمدی، جهت بهبود کیفیت زندگی هستند. متنوع بودن فعالیت‌های اقتصادی روستا با رفع مانع اصلی توسعه روستایی یعنی فقر، منجر به پایداری نظام روستایی می‌شود چراکه انعطاف‌پذیری و تاب‌آوری بیشتری روستاییان را در مواجهه با روندهای ناگهانی و فشارهای اقتصادی، اجتماعی و طبیعی به همراه دارد (Ellis, 1999:4). تنوع بخشیدن به اقتصاد روستاها در واقع حرکت در مسیر اصل اساسی رویکرد توسعه انسانی است چراکه به افزایش و آزادی قدرت انتخاب روستاییان و توانمندی آن‌ها ختم می‌گردد (Morse, 2013:24). بینگتن (۲۰۱۰) معتقد است که دلیل اصلی اینکه وضعیت معیشتی روستاییان در سطح نازلی است عدم توانایی آن‌ها در دفاع و حفظ دارایی‌هایشان در برابر بحران‌ها است و این امر مستلزم تدارک و ایجاد منابع جدید امرارمعاش است (Krug, 2013:6). متنوع‌سازی اقتصاد روستایی و منافع آن زمینه‌ساز جلب مشارکت و مسئولیت‌پذیری مردم محلی در ارتباط با حفاظت از محیط‌زیست و مشارکت‌های سیاسی، اجتماعی در کوتاه‌مدت و بلندمدت می‌گردد و بدین ترتیب در کنار رفع فقر اقتصادی، فقر فرهنگی و اجتماعی هم از بین می‌رود (Warren, 2002:2). بنابراین اقدام واقعی جهت تأمین محیط قابل زیست و باکیفیت زندگی در نواحی روستایی جهت تثبیت و بازگشت جمعیت، دستگیری حمایتی از روستاییان نیست بلکه تحول در معیشت آن‌ها با افزایش دارایی‌هایشان به‌واسطه تنوع‌بخشی به اقتصاد روستایی است (سجاسی قیداری، صادقلو و شکوری، ۱۳۹۵: ۱۹۸). در این راستا مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱ مطرح می‌گردد.



شکل ۱. مدل مفهومی پژوهش

۳) روش تحقیق

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت و روش، توصیفی - تحلیلی و از لحاظ نوع، جز تحقیقات مقایسه‌ای محسوب می‌گردد، و در آن سعی شده که وضعیت کیفیت زندگی مهاجران بازگشته به روستا در دو دوره قبلی یعنی زندگی در شهر و دوره بعد یعنی بازگشت به روستا مورد بررسی قرار گیرد. برای جمع‌آوری اطلاعات در بخش نظری از مطالعات اسنادی (کتابخانه‌ای) و در بخش پیمایشی از پرسشنامه استفاده گردیده است. در این راستا با مطالعات میدانی، خانوارهایی که قبلاً در شهر زندگی می‌کردند و به روستا بازگشته بودند، شناسایی شدند و در میان آن‌ها پرسشنامه توزیع و تکمیل گردید، تعداد خانوارهای شناسایی شده بالغ بر ۱۴۴ خانوار بود که در ۱۸ روستا پراکنده شده بودند (جدول ۲). برای سنجش وضعیت کیفیت زندگی مهاجران از سه شاخص اقتصادی، اجتماعی و محیطی - کالبدی و ۲۵ متغیر، مندرج در جدول (۱) استفاده گردید. روایی ابزار اندازه‌گیری از طریق کارشناسان و متخصصان و پایایی آن نیز از طریق ضریب آلفای کرونباخ در SPSS برابر با ۰,۷۱ بدست آمد.

جدول ۱. شاخص‌ها و متغیرهای مورد سنجش کیفیت زندگی

شاخص‌ها	متغیرها	پایایی	
شاخص‌های زندگی	اجتماعی	احساس امنیت فردی و اجتماعی، امید به آینده، توانایی تأمین نیازهای اساسی (تغذیه و بهداشت) خانوار، رضایت از زندگی، احساس تعلق به اجتماع و محیط، رضایت از موقعیت اجتماعی، تمایل به مشارکت در توسعه سکونتگاه، پیوند و همبستگی با ساکنین، لذت از زندگی.	۰,۶۷
	اقتصادی	رضایت از میزان درآمد و پس‌انداز، قدرت خرید، رضایت از شغل، کاهش هزینه‌های زندگی، کاهش نابرابری‌های اقتصادی با شهرنشینان، کاهش احساس فقر، توانایی دریافت وام و بازپرداخت قرض، دسترسی به فرصت‌های شغلی، افزایش امنیت شغلی، ظرفیت کاری، اشتغال زنان.	۰,۷۱
	محیطی - کالبدی	کیفیت بهداشت محیطی، کیفیت بصری محیط زندگی، دسترسی به امکانات زیربنایی (حمل و نقل، ورزشی، فرهنگی و هنری)، دسترسی به مسکن با کیفیت و شخصی، وضعیت آموزش فرزندان	۰,۷۶
مجموع = ۳	۲۵	۰,۷۱	

منابع: طیب نیا، محمدی و منوچهری، ۱۳۹۵؛ فراهانی، ۱۳۸۷؛ عنبر، ۱۳۸۹؛ محمدی و راستگونی‌زاد، ۱۳۹۷؛ هزارجریبی و مرادی، ۱۳۹۳؛ سونجا، ۲۰۰۳؛ ون زر، ۲۰۱۱؛ ون هوفن، ۲۰۰۶

¹Sonja

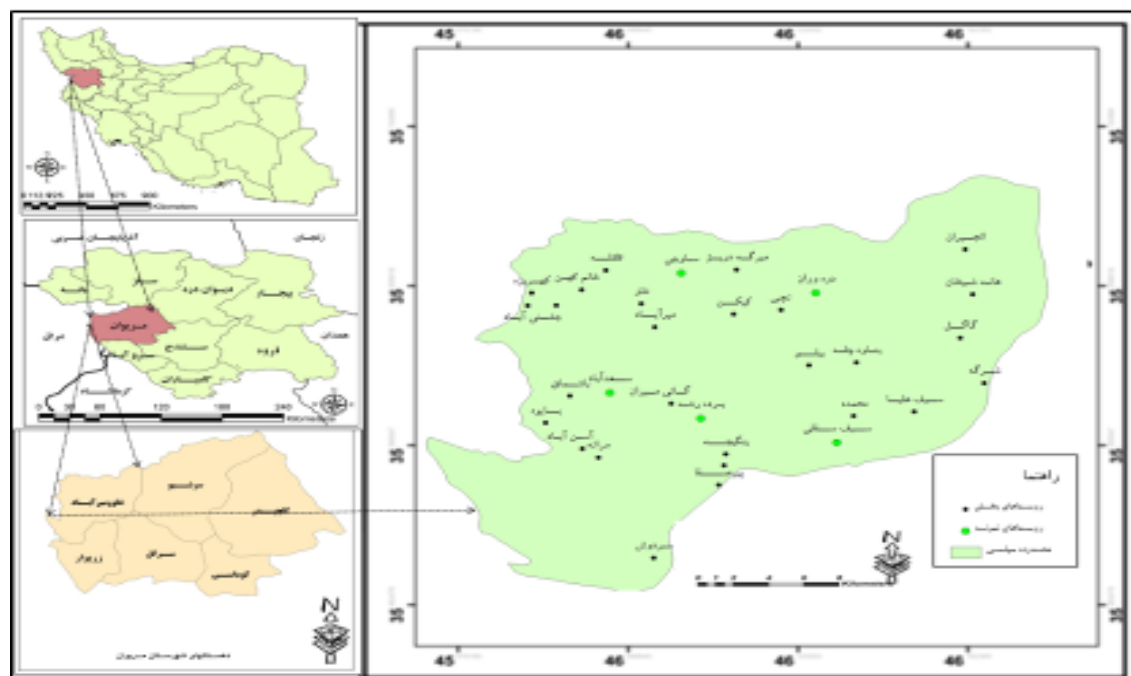
²VanZerr

³Veenhoven

جدول ۲. روستاهای مورد بررسی و تعداد پرسشنامه‌های تخصیص یافته

نام روستاها	تعداد خانوار بازگشتی به روستا (تعداد پرسشنامه‌ها)	نام روستاها	تعداد خانوار بازگشتی به روستا (تعداد پرسشنامه‌ها)
سردوش	۵	خاو	۱۱
پیرصفا	۶	نچی	۷
سعدآباد	۹	کیکن	۱۰
ینگچه	۸	دره‌وه‌ران	۶
میرآباد	۹	سیف علیا	۷
کانی میران	۷	سیف سفلی	۱۲
قلقله	۱۰	بناوچله	۳
جشنی آباد	۱۱	انجیران	۴
ساوجی	۱۵	گاگل	۴

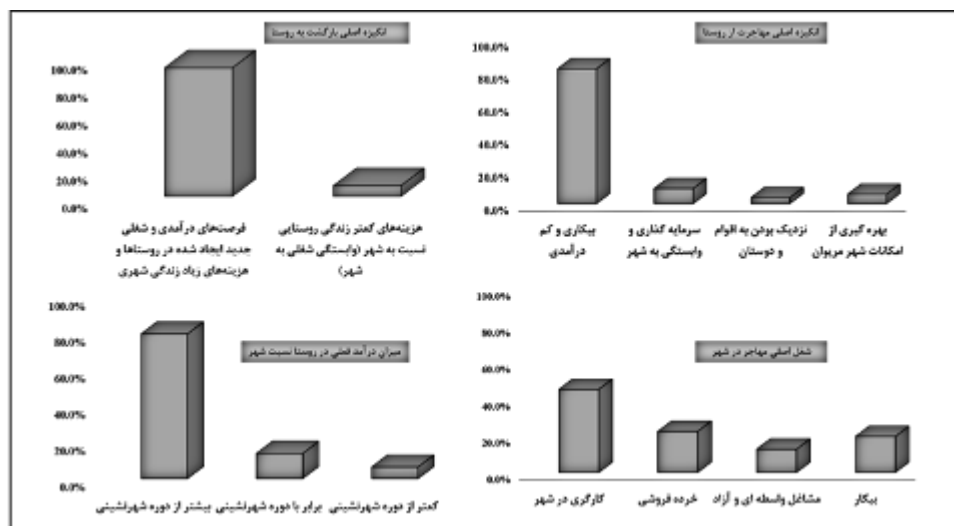
شهرستان مریوان به مرکزیت شهر مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان در غرب استان و در مجاورت خاک عراق با طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۵ درجه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۰۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی واقع گردیده است. این شهرستان دارای سه بخش مرکزی، سرشیو و خاوومیرآباد می‌باشد. بخش خاوومیرآباد با مساحتی بالغ بر ۳۳۸ کیلومتر مربع دارای ۲۹ روستا دارای سکنه و در منطقه صفر مرزی در همسایگی کشور عراق واقع گردیده است.



شکل ۲. نقشه موقعیت جغرافیایی محدوده مورد مطالعه

۴ یافته‌های تحقیق

در ابتدا یافته‌های توصیفی نشان می‌دهند که ۸۲ درصد از سرپرستان خانوار (۱۸ سرپرست خانوار) بیکاری و بی‌درآمدی و یا کم‌درآمدی، ۹ درصد (۱۳ سرپرست خانوار) سرمایه‌گذاری و وابستگی شغلی به شهر، ۳،۴۷ درصد (۵ سرپرست خانوار) نزدیک بودن به اقوام و دوستان و ۵،۵۵ درصد نیز (۸ سرپرست خانوار) بهره‌گیری از امکانات شهر مریوان به‌ویژه ادامه تحصیل فرزندان دخترشان، را انگیزه اصلی مهاجرت از روستاهایشان عنوان کرده‌اند. در مقابل در پاسخ به علل و انگیزه اصلی بازگشت به روستاها بیشترین درصد پاسخگویان برابر ۹۲،۵ درصد (۱۳۳ سرپرست خانوار) بهره‌گیری از فرصت‌های درآمدی و شغلی جدید ایجادشده در روستاها و هزینه‌های زیاد زندگی شهری و ۷،۵ درصد (۱۱ سرپرست خانوار) نیز، هزینه‌های کمتر زندگی روستایی نسبت به شهر را عامل بازگشت به روستاهایشان بیان داشتند با این تفاوت که این دسته از سرپرستان خانوار در روستاهای نزدیکی به شهر مریوان ساکن بوده و از لحاظ اقتصادی هنوز به شهر مریوان وابسته می‌باشند. به لحاظ اشتغال، ۴۵،۱۳ درصد از سرپرستان خانوار (۶۵ نفر) شغل اصلی خود را در شهر کارگری ساده، ۲۲،۲۲ درصد (۳۲ نفر) مشاغل خرده‌فروشی (مغازه‌داری، دست‌فروشی و...)، ۱۲،۵ درصد (۱۹ نفر) مشاغل واسطه‌ای و آزاد دیگر و ۱۹،۴۴ درصد (۲۸ نفر) نیز، عنوان کرده‌اند که در هنگام بازگشت به روستا بیکار بوده‌اند. در مقابل بیشترین درصد پاسخگویان برابر ۶۶،۶ درصد (۹۶ نفر) منابع درآمدی و شغلی خود را بعد از بازگشت به روستا ترکیبی از سه فعالیت زراعت، فعالیت در بازارچه‌های مرزی و دامداری عنوان کرده‌اند. از حیث میزان درآمد نیز، ۸۰ درصد از سرپرستان خانوار (۱۱۵ نفر) میزان درآمد فعلی خود را در روستا بیشتر، ۱۳،۷۸ درصد برابر (۲۰ نفر) و ۶،۲۴ درصد نیز (۹ نفر) میزان درآمد خود را کمتر از دوره سکونت در شهر عنوان کرده‌اند. بیشترین درصد پاسخگویان برابر ۶۹،۴۴ درصد (۱۰۰ سرپرست خانوار) نیز، در مسکن استیجاری در شهر سکونت داشته‌اند.



شکل ۳. یافته‌های توصیفی پژوهش در ارتباط با وضعیت مهاجران بازگشتی به روستاها

در ادامه به منظور بررسی دقیق وضعیت شاخص‌های کیفیت زندگی خانوارهای مهاجران بازگشتی به روستاها از آزمون‌های استنباطی بهره گرفته شد. در ابتدا نتایج آزمون ویلکاکسون متناسب با طیف پنج گزینه‌ای لیکرت مورداستفاده در سؤالات، جهت مقایسه دو دوره سکونت در شهر و دوره بازگشت به روستا آورده شده است.

بعد اقتصادی

در بعد اقتصادی کیفیت زندگی مهاجران، بر اساس نتایج به‌دست‌آمده از جدول ۳ نشان می‌دهد که در تمامی متغیرهای موردبررسی؛ وضعیت دوره بعد با توجه به رتبه‌های مثبت و مقدار مطلوب آماره Z در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ بهتر از دوره قبل یعنی دوره سکونت آن‌ها در شهر مریوان است. متغیرهای دسترسی به فرصت‌های شغلی و رضایت از میزان درآمد و پس‌انداز به ترتیب با میانگین دوره قبل برابر ۲,۷۳، ۲,۶۲ و تغییر آن به مقدار میانگین برابر ۲,۸۶، ۳,۷۳ و با دارا بودن بیشترین رتبه‌های مثبت (۱۰۲ و ۱۰۸ نفر) متغیرهایی هستند که در این شاخص با بیشترین و مطلوب‌ترین بهبود وضعیت روبرو شده‌اند. در این ارتباط روستاییان بیان می‌کردند که فعالیت آن‌ها در مشاغل مختلف، موجب افزایش درآمد و میزان پس‌انداز آن‌ها شده است همان‌طور که در یافته‌های توصیفی نیز، آورده شد از حیث اشتغال و درآمد بیشترین درصد سرپرستان خانوار در شهر به کارگری ساده مشغول بودند که درآمد اندکی را برای آن‌ها به همراه داشت، این در حالی است که در وضعیت کنونی بیشتر آن‌ها دارای سه منبع درآمدی و شغلی (زراعت، دامداری و فعالیت در بازارچه مرزی) هستند. بهبود وضعیت درآمد و پس‌انداز مهاجران موجب پاسخ مثبت آن‌ها در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ به افزایش قدرت خرید آن‌ها از مقدار نامطلوب ۲,۷۸ دوره قبل (سکونت در شهر) به مقدار رضایت‌بخش ۳,۵۳ در دوره بعد (سکونت در روستا) شده است. یکی دیگر از بازتاب‌های این بهبود وضعیت‌ها را می‌توان در بهبود وضعیت متغیر کاهش نابرابری‌های اقتصادی با شهرنشینان دید که میانگین دوره قبل با ۱۰۳ رتبه مثبت از مقدار نامطلوب ۲,۶۳ به مقدار رضایت‌بخش ۳,۴۱ در دوره بعد رسیده است و این امر نشان می‌دهد که تنوع فعالیت‌های اقتصادی ایجادشده توانسته است در تحقق اصل عدالت و برابری فضایی و کاهش فاصله بین شهر روستا در شاخص اقتصادی مؤثر واقع گردد. مهاجران بازگشتی با ۹۵ رتبه مثبت و محاسبه میانگین محاسبه‌شده برابر ۳,۴۰ در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ از مشاغلی که هم‌اکنون در سطح روستاها به آن‌ها می‌پردازند، احساس رضایت دارند، قدر مسلم این امر را می‌توان بازتاب درآمدهای مطلوب و لمس اثرات اقتصادی این مشاغل دانست. از سویی دیگر وجود فرصت‌های شغلی مناسب، موجب شده تا پاسخگویان با ۸۳ رتبه مثبت و میانگین محاسبه‌شده برابر ۳,۳۳ در سطح رضایت‌بخشی، بازگشت به روستا را عامل افزایش امنیت شغلی خود بیان نمایند. همچنین مهاجران در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ و با ۹۸ رتبه مثبت، بازگشت به روستا را عامل کاهش هزینه‌های زندگی خود بیان کرده‌اند. در این میان یکی از متغیرهایی که وجود آن مانع عمده تحقق فضای قابل زیست و توسعه در نواحی روستایی می‌گردد، وجود فقر در بین روستاییان است که در این ارتباط پاسخ‌های ارائه شده نشان می‌دهد که مهاجران بازگشتی پس از بازگشت به روستاها به دنبال

تنوع فعالیت‌های اقتصادی ایجاد شده که با دسترسی به فرصت‌های شغلی و بهبود درآمد و پس‌انداز آن‌ها همراه بوده است، در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ و با ۱۰۱ رتبه مثبت، به کاهش احساس فقر خود پاسخ گفته‌اند، به‌گونه‌ای که میانگین کاهش احساس فقر دوره قبل یعنی دوره سکونت در شهر از مقدار نامطلوب ۲,۵۲ به میانگین رضایت‌بخش ۳,۷۳ در دوره بازگشت و سکونت در روستاها رسیده است. یکی دیگر از متغیرهایی که به‌عنوان یکی از اهداف اصلی تحقق توسعه پایدار روستایی معرفی گردیده و در رشد اقتصادی روستاها نیز به‌عنوان نیمی از منابع انسانی بسیار اثرگذار می‌باشند، وضعیت اشتغال زنان است. در این ارتباط مهاجران بازگشت به روستاها را در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ و با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳,۲۳ در سطح متوسط و نسبی عامل افزایش اشتغال زنان خانواده‌هایشان بیان کرده‌اند. در این ارتباط روستاییان بیان می‌داشتند که هم‌اکنون زنانی که در دوره سکونت در شهر فعالیت خاصی انجام نمی‌دادند و تنها به امور خانه می‌پرداختند در فعالیت‌های زراعی، باغداری و دامداری (فروش هرروزه شیر و محصولات جانبی آن) حضور فعالی دارند.

جدول ۳. مقایسه وضعیت شاخص اقتصادی کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در دو دوره سکونت در شهر و

بازگشت به روستاها

متغیر	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	سطح معنی‌داری	مقدار Z	میانگین	
						دوره قبل	دوره بعد
رضایت از میزان درآمد و پس‌انداز	۱۰۸	۸	۲۸	۰,۰۰۰	-۸,۸۶	۲,۶۲	۳,۷۳
افزایش قدرت خرید	۷۰	۱۶	۵۸	۰,۰۰۰	-۶,۳۹	۲,۷۸	۳,۵۳
رضایت از شغل	۹۵	۱۷	۳۲	۰,۰۰۰	-۷,۴۶	۲,۶۱	۳,۴۰
کاهش هزینه‌های زندگی	۹۸	۳۸	۸	۰,۰۰۰	-۸,۹۶	۲,۷۲	۳,۳۸
کاهش نابرابری‌های اقتصادی با شهرنشینان	۱۰۳	۳۱	۱۰	۰,۰۰۰	-۸,۶۲	۲,۶۳	۳,۴۱
کاهش احساس فقر	۱۰۱	۱۹	۲۴	۰,۰۰۰	-۷,۶۷	۲,۵۲	۳,۷۳
توانایی دریافت وام‌ها و بازپرداخت قرض	۷۶	۶	۶۲	۰,۰۰۰	-۶,۷۱	۲,۴۷	۳,۳۸
دسترسی به فرصت‌های شغلی	۱۰۲	۱۰	۳۲	۰,۰۰۰	-۷,۵۳	۲,۷۳	۳,۸۶
افزایش امنیت شغلی	۸۳	۵	۵۶	۰,۰۰۰	-۷,۸۹	۲,۵۳	۳,۳۳
ظرفیت کاری	۷۸	۶	۶۰	۰,۰۰۰	-۷,۶۲	۲,۸۴	۳,۴۴
اشتغال زنان	۹۹	۱۳	۳۲	۰,۰۰۰	-۸,۰۴	۲,۱۳	۳,۲۳

بعد اجتماعی

وضعیت بعد اجتماعی بر اساس نتایج مندرج در جدول ۴ نشان می‌دهد که کیفیت زندگی مهاجران بازگشته به روستاهای بخش خاوومیرآباد نیز در آزمون ویلکاکسون، نشان می‌دهد که سرپرستان خانوار به افزایش توانایی‌شان جهت تأمین نیازهای اساسی خانوارها در زمینه‌های بهداشت و تغذیه با ۱۲۴ رتبه مثبت و بهبود میانگین از مقدار نامطلوب ۲,۷۰ دوره شهرنشینی به ۳,۵۳ در دوره برگشت به روستاها پاسخ گفته‌اند. همچنین ارتقای میانگین از مقدار ۲,۸۴ به ۳,۲۹ نشان می‌دهد که روستاییان در وضعیت

فعلی رضایت بیشتری از موقعیت اجتماعی خود نسبت به قبل دارند. در این ارتباط روستاییان بیان می‌کردند که به دلیل کم شدن نابرابری‌های اقتصادی و اینکه در وضعیت فعلی نواحی روستایی بخش به‌عنوان محیط پویای اقتصادی درآمده، به‌گونه‌ای بسیاری از شهرنشینان همچنین وضعیتی را ندارند و هرروز با جذب جمعیت همراه هستند و از همه مهم‌تر اینکه تصور از روستاها و روستاییان به‌عنوان فقرای منطقه تغییر کرده است، به روستایی بودن وزندگی در روستا احساس بسیار مثبت و متفاوت با دوره شهرنشینی را دارند که از روی اجبار به شهر مهاجرت کرده و در فقر به سر می‌بردند. وضعیت احساس پیوند و همبستگی با ساکنین نشان می‌دهد که میانگین از مقدار ۲,۹۷ به ۳,۶۴ ارتقاء یافته است، عموماً روستاییان بیان می‌کردند که در شهر به دلیل ناآشنایی با همسایگان و تفاوت فرهنگی با آن‌ها کمتر می‌توانستند به‌اندازه وضعیت فعلی سکونت در روستاهایشان با آن‌ها ارتباط برقرار کنند. اما در سه متغیری که بیشتر انعکاس‌دهنده بهزیستی ذهنی و میزان نشاط روستاییان هستند یعنی امید به آینده، لذت از زندگی و رضایت از زندگی با توجه به میانگین‌های محاسبه‌شده به ترتیب برابر ۳,۳۴، ۳,۴۱ و ۳,۴۳ که همگی بیشتر از میانگین دوره قبل یعنی شهرنشینی روستاییان است، می‌توان گفت که بازگشت به روستاها، پرداختن به مشاغل متنوع و داشتن منابع درآمدی رضایت‌بخش، توانسته است امید بیشتری را در افراد نسبت به آینده بهتر ایجاد نماید و با رفع فقر و تأثیرات آن در زندگی‌شان، لذت بیشتری از زندگی داشته باشند که برآیند این‌ها نیز افزایش رضایت آن‌ها از زندگی در روستاها است. این امر نشان از افزایش قدرت تاب‌آوری روانی روستاییان دارد که قدر مسلم آن‌ها را در برابر مشکلات پیش رو توانمندتر ساخته و می‌تواند زمینه‌ساز ایجاد محیطی بانشاط جهت کار، فعالیت وزندگی در روستاها باشد. اما متغیری که با بیشترین بهبود وضعیت همراه بوده است، متغیر احساس تعلق به اجتماع و محیط روستایی است که با ۹۹ رتبه مثبت، میانگین آن در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ از مقدار نامطلوب ۲,۷۱ دوره قبل به ۳,۷۸ در دوره بعد رسیده است و این نشان از افزایش مطلوب میل ماندگاری روستاییان به دنبال بازگشت به روستاها و پرداختن به مشاغل جدیدشان دارد، بنابراین می‌توان گفت که تنوع فعالیت‌های اقتصادی ایجادشده توانسته است مهاجرت در منطقه را کنترل نموده و دیگر روستاییان از روی اجبار و فقدان درآمد و شغل به شهرها مهاجرت نمی‌کنند. بازتاب این امر نیز تمایل به مشارکت روستاییان در توسعه سکونتگاهشان (روستاها) است که در دوره شهرنشینی برابر مقدار ۲,۹۷ بوده و در وضعیت فعلی به مقدار رضایت‌بخش ۳,۵۵ رسیده است تا بدین ترتیب نیز، بتوان عنوان کرد که مسیر توسعه منطقه در جهت توسعه مشارکتی در حرکت بوده و می‌توان از مردم محلی در پیشبرد برنامه‌های توسعه به‌خوبی بهره گرفت.

جدول ۴. مقایسه وضعیت شاخص اجتماعی کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در دو دوره سکونت در شهر و بازگشت به روستاها

میانگین		مقدار Z	سطح معنی-داری	رتبه برابر	رتبه منفی	رتبه مثبت	متغیر
دوره قبل	دوره بعد						
۳,۶۴	۲,۹۷	-۷,۹۹	۰,۰۰۰	۵۱	۶	۸۷	پیوند و همبستگی با ساکنین
۳,۵۳	۲,۷۰	-۱۰,۶۶	۰,۰۰۰	۱۷	۳	۱۲۴	توانایی تأمین نیازهای تغذیه و بهداشت
۳,۷۸	۲,۷۱	-۸,۵۲	۰,۰۰۰	۳۹	۶	۹۹	احساس تعلق به اجتماع و محیط
۳,۳۶	۲,۶۷	۸,۰۹۷	۰,۰۰۰	۶۵	۲	۷۶	احساس امنیت فردی و اجتماعی
۳,۲۹	۲,۸۴	-۶,۷۸	۰,۰۰۰	۷۲	۸	۶۴	رضایت از موقعیت اجتماعی
۳,۵۵	۲,۹۷	-۶,۴۵	۰,۰۰۰	۸۶	۴	۵۴	تمایل به مشارکت در توسعه سکونتگاه
۳,۴۱	۲,۷۷	-۶,۱۴	۰,۰۰۰	۴۷	۱۹	۷۶	امید به آینده
۳,۳۴	۲,۴۳	-۶,۸۹	۰,۰۰۰	۳۱	۲۱	۹۲	رضایت از زندگی
۳,۴۳	۲,۷۷	-۶,۱۸	۰,۰۰۰	۲۹	۲۸	۸۷	لذت از زندگی

بعد محیطی کالبدی

بررسی وضعیت کیفیت زندگی خانوارهای بازگشته به روستاهای منطقه مورد مطالعه در بعد کالبدی در آزمون ویلکاسکون که در جدول ۵ آورده شده است، نشان می‌دهد که پاسخگویان در دو متغیر دسترسی به امکانات زیربنایی و وضعیت آموزش فرزندان، وضعیت فعلی یعنی روستانشینی را نامطلوب‌تر از دوره‌ای که در شهر سکونت داشته‌اند، بیان کرده‌اند در این دو متغیر به ترتیب، میانگین‌ها از مقدار ۳,۷۳ و ۳,۵۲ به مقادیر نامطلوب ۲,۶۱ و ۲,۸۴ کاهش یافته‌اند تا بدین ترتیب، بتوان عنوان کرد که منطقه مورد مطالعه در این دو متغیر در وضعیت رضایت‌بخشی قرار ندارد. در این ارتباط قدر مسلم عدم اجرای طرح‌های هادی در بسیاری از روستاهای منطقه و نیز تخصیص خدمات و امکانات در نظام برنامه‌ریزی کشور بر پایه تعداد جمعیت در زمانی که روستاهای منطقه با کاهش جمعیت مواجه بوده‌اند؛ موجب رقم خوردن این وضعیت گشته است. در سطح میدانی هم، راه‌های مواصلاتی به روستاها به‌ویژه روستاهای کم‌جمعیت‌تر و نیز وضعیت معابر و راه‌های درون روستایی از وضعیت رضایت‌بخشی برخوردار نبوده و از لحاظ امکانات گذراندن اوقات فراغت نیز در سطح بخش فعالیت خاصی صورت نگرفته و در زمینه آموزشی هم، کیفیت فضای فیزیکی نامناسب مدارس در روستاها و عدم دسترسی مناسب به مدارس در سطح راهنمایی و دبیرستان به‌ویژه برای دختران، عوامل نارضایتی مردم محلی در این دو متغیر بودند که روستاییان در این زمینه‌ها جهت برطرف نمودن نیازهایشان به شهر مریوان مراجعه می‌کنند. در دیگر متغیرهای مورد بررسی، وضعیت به‌گونه‌ای دیگر رقم خورده است؛ به‌گونه‌ای که پاسخگویان با ۹۹ رتبه مثبت در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ و با ارتقای میانگین از مقدار ۲,۸۶ دوره قبل به ۳,۳۹ در دوره بعد، بازگشت به روستاها را عاملی در بهبود وضعیت دسترسی به مسکن باکیفیت و شخصی دانسته‌اند. بیشتر روستاییان در شهر در مسکن استیجاری و فرسوده که اجاره کمتری داشتند؛ سکونت داشته‌اند این در حالی است که روستاییان بیان می‌کردند بعد از بازگشت و با استفاده از درآمدهای حاصله توانسته‌اند به

نوسازی مسکن قدیمی خودشان و یا ساخت مسکن جدید در روستاها بپردازند. لازم به یادآوری است که ارزش اقتصادی زمین و مسکن نیز در سطح روستاهای بخش به واسطه تحول اقتصادی ایجادشده افزایش یافته است. از لحاظ بهداشت محیطی میانگین از ۲,۹۷ در دوره شهری به ۳,۱۳ در دوره بازگشت به روستا، تغییر مثبت داشته است. در این ارتباط روستاییان بیان می-کردند که محل‌های سکونت آن‌ها در شهر با کمترین، خدمات و امکانات شهری در زمینه بهداشت محیطی همراه بوده است. بازتاب این وضعیت را می‌توان در بهبود کیفیت بصری محیط زندگی مشاهده کرد که روستاییان بر بهبود این وضعیت با میانگین محاسبه‌شده برابر ۳,۴۶ نسبت به میانگین ۲,۹۲ دوره قبل در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ و با رتبه مثبت پاسخ گفته‌اند. این امر نشان از مطلوب بودن چشم‌انداز طبیعی روستاهای منطقه دارد، در کنار این امر نیز، روستاییان بیان می‌کردند که ساخت مسکن نوساز و بازسازی مسکن قدیمی حاصل از رونق اقتصادی منطقه و نیز ساخت فضاهای ساخته نشده و خالی روستاها همگی موجب شده‌اند تا چشم‌انداز روستاها رضایت‌بخش‌تر گردد.

جدول ۵: مقایسه وضعیت شاخص کالبدی - محیطی کیفیت زندگی خانوارهای روستایی در دو دوره سکونت در شهر

و بازگشت به روستاها

متغیر	رتبه مثبت	رتبه منفی	رتبه برابر	سطح معنی داری	مقدار Z	میانگین	
						دوره قبل	دوره بعد
کیفیت بهداشت محیطی	۶۴	۲۳	۵۷	۰,۰۱۰	-۳,۰۲	۲,۹۷	۳,۱۳
کیفیت بصری محیط زندگی	۹۶	۲۶	۲۲	۰,۰۰۰	-۶,۴۵	۲,۹۲	۳,۴۶
دسترسی به امکانات زیربنایی (حمل‌ونقل، ورزشی، فرهنگی و هنری)	۱۰	۹۶	۳۸	۰,۰۰۰	-۸,۳۸	۳,۵۲	۲,۶۱
دسترسی به مسکن باکیفیت و شخصی	۹۹	۲۳	۲۲	۰,۰۰۰	-۶,۸۸	۲,۸۶	۳,۳۹
وضعیت آموزش فرزندان	۶	۸۲	۵۶	۰,۰۰۰	-۶,۹۴	۳,۷۳	۲,۸۴

جمع‌بندی پاسخ‌های ارائه‌شده در آزمون تی زوجی نشان می‌دهد که در شاخص اقتصادی و اجتماعی وضعیت کیفیت زندگی به دنبال بازگشت به روستاها و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی ایجادشده در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ بهبود یافته است؛ به‌گونه‌ای که در شاخص اقتصادی کیفیت زندگی میانگین از مقدار نامطلوب برابر ۲,۶۰ به مقدار رضایت‌بخش ۳,۴۹ و در شاخص اجتماعی کیفیت زندگی نیز، مقدار میانگین از ۲,۷۶ دوره قبل یعنی دوره سکونت در شهر به مقدار رضایت ۳,۴۸ در دوره بعد یعنی دوره بازگشت به روستاها رسیده است. اما در مقابل در شاخص کالبدی - محیطی کیفیت زندگی، مقدار میانگین از مقدار ۳,۲۰ دوره قبل یعنی دوره سکونت در شهر به مقدار میانگین ۳,۰۹ در دوره بعد از بازگشت به روستاها کاهش یافته است تا در سطح معنی‌داری ۰,۰۵ بتوان عنوان کرد که سطح کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی در روستاها کاهش یافته است هرچند با توجه به میانگین محاسبه‌شده برابر ۳,۰۹ می‌توان گفت که کیفیت کالبدی زندگی آن‌ها در سطح متوسط و البته شکننده‌ای است. در مجموع

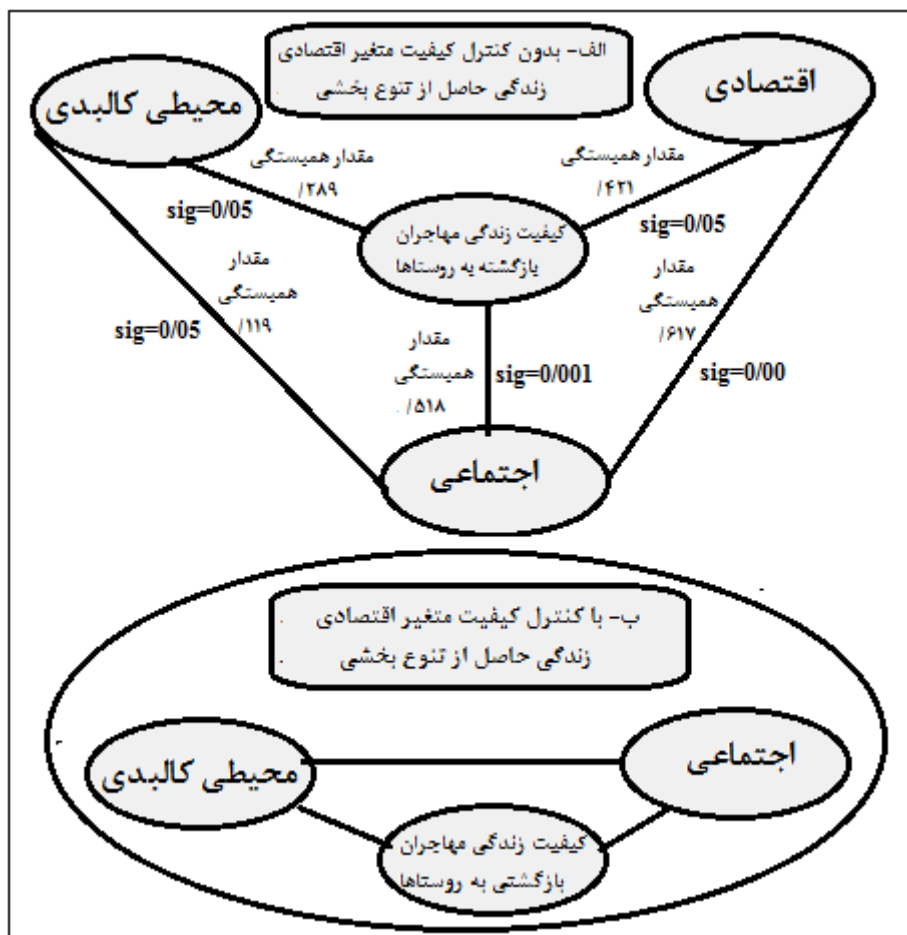
نیز، با توجه به مقدار مطلوب، آماره t محاسبه شده در سطح معنی داری $0,01$ و با توجه به ارتقای میانگین از مقدار نامطلوب برابر $2,85$ دوره قبل به $3,35$ در دوره بعد می توان با 99 درصد اطمینان عنوان کرد که بازگشت به روستاها به واسطه تنوع فعالیت های اقتصادی ایجاد شده در آنها توانسته است موجب بهبود سطح کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی گردد. در این میان بیشترین اختلاف میانگین دوره قبل و بعد به شاخص اقتصادی با $0,89$ اختلاف میانگین اختصاص یافته است تا بدین ترتیب بتوان گفت که وضعیت اقتصادی کیفیت زندگی روستاییان، بیشترین بهبود وضعیت و تغییر مثبت را از بازگشت به روستاها و شرکت در فعالیت های اقتصادی ایجاد شده (فعالیت در بازارچه مرزی و گردشگری) و رونق گرفته (فعالیت های زراعی، باغداری و دامداری) در روستاها پذیرفته است.

جدول ۶: مقایسه وضعیت دوره قبل و بعد کیفیت زندگی مهاجران روستایی

شاخص	میانگین	فاصله اطمینان ۹۵ درصد		آماره T	درجه آزادی	سطح معنی داری
		کران پایین	کران بالا			
اجتماعی	میانگین دوره قبل: ۲,۷۶	-۰,۸۲	-۰,۶۲	-۱۴,۱۹	۱۴۳	۰,۰۰۰
	میانگین دوره بعد: ۳,۴۸					
	اختلاف میانگین ها: ۰,۷۲-					
اقتصادی	میانگین دوره قبل: ۲,۶۰	-۱,۰۹	۰,۷۴	-۱۱,۵۴	۱۴۳	۰,۰۰۰
	میانگین دوره بعد: ۳,۴۹					
	اختلاف میانگین ها: ۰,۸۹-					
محیطی - کالبدی	میانگین دوره قبل: ۳,۲۰	۰,۰۲۸	۰,۱۹۹	۲,۶۲	۱۴۳	۰,۰۱۱
	میانگین دوره بعد: ۳,۰۹					
	اختلاف میانگین ها: ۰,۱۱۳-					
مجموع	میانگین دوره قبل: ۲,۸۵	-۰,۶۰	-۰,۳۹	-۹,۱۳	۱۴۳	۰,۰۰۰
	میانگین دوره بعد: ۳,۳۵					
	اختلاف میانگین ها: ۰,۵۰-					

در ادامه به منظور بررسی میزان اثرگذاری تنوع فعالیت های اقتصادی ایجاد شده که نمود آن در بهبود کیفیت اقتصادی زندگی روستاییان است، از آزمون همبستگی جزئی بهره گرفته شد. در ابتدا همان طور که در شکل ۴ نشان داده شده است، در آزمون همبستگی پیرسون ارتباط معنی دار، مثبت و مستقیمی بین ابعاد موردسنجش کیفیت زندگی روستاییان وجود دارد و بهبود یک شاخص موجب بهبود شاخص دیگر و در مجموع کیفیت زندگی مهاجران روستایی گردیده است. بیشترین میزان همبستگی نیز بین ابعاد اقتصادی و اجتماعی کیفیت زندگی مهاجران مشاهده می گردد. در ادامه با قرار دادن شاخص اقتصادی کیفیت زندگی به عنوان متغیر کنترل و متغیری که نقش آن از ارتباط سایر متغیرها حذف گردید، آزمون همبستگی جزئی انجام گرفت. همان طور که در شکل ۴ نشان داده شده است؛ در این مرحله روابطی که در مرحله قبل و با حضور بعد اقتصادی کیفیت زندگی حاصل گردیده بود، در این مرحله معنی دار محاسبه نگردیدند (محاسبه میزان معنی داری بیشتر از آلفای $0,05$) تا بدین ترتیب بتوان عنوان کرد که تنوع

فعالیت‌های اقتصادی ایجاد شده که با افزایش فرصت‌های شغلی و درآمدی برای مهاجران بازگشتی همراه و موجب بهبود کیفیت زندگی اقتصادی آن‌ها گردیده بود، بیشترین تأثیر و نقش را در بهبود سایر شاخص‌های کیفیت زندگی و مجموع کیفیت زندگی آن‌ها دارد.



شکل ۴. تأثیر تنوع بخشی به بعد اقتصادی کیفیت زندگی در بهبود سایر شاخص‌های کیفیت زندگی روستاییان بازگشتی در آزمون همبستگی جزئی و پیرسون

(۵) نتیجه‌گیری

نتایج در پژوهش حاضر نقش تنوع فعالیت‌های اقتصادی در تغییر سطح کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی به روستاهای شهرستان مریوان که در زمانی به دلیل فقدان درآمد و شغل و از روی اجبار از روستاها به شهر مریوان مهاجرت کرده بودند و با ایجاد شرایط اقتصادی و مطلوب جدید در سطح روستاها دوباره از شهر به روستاهایشان مهاجرت کردند، مورد بررسی قرار گرفت. در این راستا سؤال‌های اصلی پژوهش مبتنی بر این مطالب بودند که مهاجرانی که به دنبال تنوع فعالیت‌های اقتصادی از شهر به روستاهایشان بازگشته‌اند، وضعیت کیفیت زندگی آن‌ها چه تغییراتی را نسبت به دوره‌ای که در شهر به سر می‌بردند، داشته است؟ کدامیک از شاخص‌های کیفیت زندگی، بیشترین تأثیر را در تغییر سطح

کیفیت زندگی آن‌ها دارد؟ و آیا بهبود شاخص اقتصادی کیفیت زندگی موجب بهبود سایر شاخص‌های کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی گردیده است؟

بر اساس یافته‌های پژوهش و مطابق با نتایج قاسمی، جوان و صابری (۱۳۹۳)، مهم‌ترین علت بازگشت شرایط مساعد اقتصادی نواحی روستایی در مقابل شرایط نامطلوب و دشوار زندگی در شهر برای خانوارهای روستایی است که این امر در تضاد با نتایج پژوهش‌های بین‌المللی فارل و ماهن (۲۰۱۴)، هاس (۲۰۱۵)، زو (۲۰۱۰) و فارل و همکاران (۲۰۱۴) است که در آن‌ها مهاجران پس از دوره‌ای موفق و با افزایش توانمندی و ظرفیت به نواحی روستایی بازگشته و موجب ایجاد اشتغال و تحول اقتصادی و اجتماعی گردیده‌اند. بنابراین برپایه رویکردهای مهاجرتی، وضعیت مهاجران بازگشتی به منطقه مورد مطالعه در قالب رویکرد اقتصادی نئوکلاسیک قرار می‌گیرد که عامل اصلی بازگشت به روستاها را شکست مهاجران و عدم موفقیت آن‌ها در کسب منافع اقتصادی در شهرها می‌داند. مشابه با نتایج پژوهش بابایی و جمعه‌پور (۱۳۹۵) نیز، بازگشت مهاجران به روستاها و بهره‌گیری از فرصت‌های شغلی ایجادشده موجب بهبود سطح کیفیت زندگی آن‌ها نسبت به دوره سکونت در شهر گردیده است. از لحاظ آماری نیز، با توجه به مقدار مطلوب، آماره t محاسبه‌شده در سطح معنی‌داری ۰,۰۱ و با توجه به ارتقای میانگین از مقدار نامطلوب برابر ۲,۸۵ دوره قبل به ۳,۳۵ در دوره بعد می‌توان با ۹۹ درصد اطمینان عنوان کرد که بازگشت به روستاها به واسطه تنوع فعالیت‌های اقتصادی ایجادشده در آن‌ها توانسته است موجب بهبود سطح کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی گردد. بنابراین فرضیه اول پژوهش مورد تأیید واقع می‌شود و در راستای اثبات فرضیه دوم پژوهش، نتایج t زوجی حاکی از آن است که بیشترین اختلاف میانگین دوره قبل و بعد، به شاخص اقتصادی با ۰,۸۹ اختلاف میانگین اختصاص یافته است تا بدین ترتیب بتوان گفت که وضعیت اقتصادی کیفیت زندگی روستاییان، بیشترین بهبود وضعیت و تغییر مثبت را از بازگشت به روستاها و شرکت در فعالیت‌های اقتصادی ایجادشده (فعالیت در بازارچه مرزی و گردشگری) و رونق گرفته (فعالیت‌های زراعی، باغداری و دامداری) در روستاها پذیرفته است. بنابراین شاخص اقتصادی، مؤثرترین نقش را در تغییر مثبت سطح کیفیت زندگی مهاجران داشته است لذا فرضیه دوم پژوهش نیز مورد تأیید واقع شد. به‌واقع در مناطق روستایی و در انزوای مرزی که همواره به دلیل تسلط و وجود دید برنامه‌ریزی تمرکزگرا در کشور از حیث منتفع شدن از منافع توسعه در حاشیه بوده‌اند و فقر و بیکاری به‌صورت گسترده در این مناطق مشاهده شده و تلاش اصلی برای بقاء است هرگونه اقدامی در راستای متحول نمودن این وضعیت و درواقع ارتقای سطح کیفیت زندگی روستاییان بایستی متوجه بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی باشد تا با بهبود وضعیت شاخص‌های اقتصادی این بعد به‌عنوان موتور محرکه‌ای عمل کرده و موجب بهبود سایر شاخص‌های عینی و ذهنی کیفیت زندگی در محیط‌های روستایی گردد. امری که در منطقه مورد مطالعه به وقوع پیوسته و نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بهبود وضعیت اقتصادی کیفیت زندگی موجب بهبود سایر شاخص‌های کیفیت زندگی مهاجران بازگشتی گردیده است تا بتوان با اطمینان بیان کرد که فرضیه سوم پژوهش هم مورد تأیید واقع شده است در این میان بیشترین میزان همبستگی نیز بین این شاخص و شاخص اجتماعی کیفیت زندگی مهاجران

روستایی مشاهده گردید. بر این اساس، بایستی دیدگاه موجود در برنامه‌ریزان توسعه جهت تحقق کیفیت زندگی در نواحی روستایی به‌منظور جلوگیری از مهاجرت و جذب جمعیت مهاجران به روستاها از تدارک و ایجاد محیط کالبدی و فیزیکی مناسب به سمت ایجاد تنوع فعالیت‌های اقتصادی تغییر یابد، زیرا همان‌طور که مشاهده می‌گردد در شرایط عمومی کشور و منطقه مورد مطالعه نیز، در بسیاری از روستاها تأسیسات و زیرساخت‌هایی با هزینه‌های فراوان ایجاد گردیدند که در دوره رکود اقتصادی بلااستفاده رها شده و جمعیت روستاها هرروز کاهش بیشتری می‌یافتند و تا جایی که بسیاری از روستاها باوجود استقرار تأسیسات و خدمات، خالی از جمعیت می‌گردند. این در حالی است که در مطالعه حاضر، متغیر افزایش فرصت‌های شغلی و میزان درآمد و پس‌انداز که حاصل تنوع فعالیت‌های اقتصادی در روستاها می‌باشند، در شاخص اقتصادی و شاخص تعلق به اجتماع و محیط روستایی در شاخص اجتماعی کیفیت زندگی، دارای بیشترین میانگین و بهبود وضعیت در میان روستاییان بازگشته به روستاها هستند تا بتوان به ارتباط تنوع فعالیت‌های اقتصادی با افزایش میل به ماندگاری و جذب جمعیت مهاجران به روستاها پی برد. در نهایت مطابق با یافته‌های پژوهش، راهکارهای زیر جهت افزایش سطح کیفیت زندگی محیط‌های روستایی و تداوم روند بازگشت مهاجران به منطقه روستایی مورد مطالعه پیشنهاد می‌گردد:

- در ابتدا با توجه به ضعف زیرساخت‌های کالبدی در منطقه پیشنهاد می‌گردد که این زیرساخت‌ها به‌ویژه درزمینه حمل‌ونقل و امکانات آموزشی و فراغتی، ایجاد و تقویت گردند چراکه این امر علاوه برافزایش کیفیت زندگی روستاییان به‌ویژه مهاجران بازگشته به روستا که شرایط را با وضعیت کالبدی و خدماتی شهر مقایسه می‌نمایند، موجب ایجاد فرصت‌های جدید، جهت به ثمر رسیدن و ایجاد فعالیت‌های اقتصادی در منطقه می‌گردد. در این راستا اجرای طرح‌های هادی در سطح روستاهای می‌تواند، راهکاری مؤثر باشد.
- مهم‌ترین و مؤثرترین اقدامی که در منطقه در راستای تنوع‌بخشی به اقتصادی آن انجام گرفته است، تأسیس بازارچه‌های مرزی است. در راستای عملکرد مؤثرتر این بازارچه‌ها نیاز است که از تعطیلی‌های مقطعی آن‌ها جلوگیری گردد، همچنین زمین‌های فاصله گرفتن این بازارچه‌ها از رویکرد صرف وارداتی به صدور کالاهای تولیدی کشاورزی روستاییان منطقه با توجه به تفاوت نرخ ارز و نیز میل به مصرف بالا در بازار کردستان عراق فراهم آید.
- در شاخص اقتصادی، متغیری که دارای کمترین میزان بهبود وضعیت بود، متغیر اشتغال زنان می‌باشد، هرچند که زنان به‌صورت مستقیم در عرصه دامداری و غیرمستقیم در فعالیت‌های زراعی و باغی فعالیت دارند اما لازم است، زمین‌های فعالیت بیشتر و رسمی‌تر آن‌ها فراهم گردد. در این ارتباط در ابتدا نیاز است که محیط اجتماعی را از طریق بهره‌گیری از آگاهان محلی و مسئولین دینی روستاها جهت فعالیت آن‌ها فراهم آورد و در مرحله بعد، می‌توان به توسعه گردشگری روستایی در منطقه که در چندساله اخیر با استقبال مطلوب شهرنشینان مریوانی روبرو بوده است، روی آورد.
- در نظر گرفتن مشوق‌هایی برای بازگشت مهاجران به روستاهایشان به‌ویژه اختصاص وام‌های کم‌بهره و بلندمدت به‌دوراز بوروکراسی اداری درزمینه راه‌اندازی مشاغل مانند دامداری و فعالیت‌های تولیدی دیگر و نیز ساخت و نوسازی مسکن، ضروری است.

۶ منابع

- آقای زاده، اسماعیل، حسن افراخته، محمد میره، (۱۳۹۰)، جستاری در تحولات عوامل مهاجرت روستایی در ایران (مطالعه موردی: شهرستان بندر انزلی)، پژوهش‌نامه جغرافیایی، شماره ۱، صص ۹۵-۱۲۰
- پاپلی یزدی، محمدحسین، محمدابراهیمی، (۱۳۸۷)، نظریه‌های توسعه روستایی؛ تهران: انتشارات سمت
- جوان، جعفر، حمیدحیدری مکرر، (۱۳۹۰)، نقش چاهک‌ها در متنوع سازی اقتصاد روستایی مطالعه موردی شهرستان زهک در استان سیستان و بلوچستان، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۶، صص ۶۶-۴۹
- ربانی، رسول، زهرا طاهری، زهرا روستا، (۱۳۹۰)، بررسی علل انگیزه‌های مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اجتماعی اقتصادی (مطالعه موردی: مهاجران روستانشین شهرهای تنکابن و رامسر)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، سال ۲، شماره ۵، صص ۸۳-۱۰۸
- رستمی، خدیجه، (۱۳۹۵)، تحلیلی بر متنوع سازی فعالیت‌های اقتصادی در افزایش دارایی‌های معیشتی روستائیان (مطالعه موردی: بخش خامیرآباد)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی به راهنمایی دکتر سعدی محمدی، دانشگاه پیام نور
- رضوانی، محمدرضا، (۱۳۹۰)، گردشگری خانه‌های دوم و اثرات آن بر بهبود کیفیت زندگی ساکنان (موردی: بخش رودبار قصران)، فصلنامه مطالعات و پژوهش‌های شهری و منطقه‌ای، سال ۴، شماره ۱۳، صص ۲۳-۴۰
- رضوانی، محمدرضا، محمدامین خراسانی، (۱۳۹۲)، سنجش و ارزیابی مولفه‌های زیست‌پذیری در سکونتگاه‌های بیرامون شهری (بررسی موردی: شهرستان ورامین)، پژوهش‌های روستایی، دوره ۵، شماره ۱، صص ۸۹-۱۰۵
- سجاسی قیداری، حمدالله، طاهره صادقلو، اسماعیل شکوری فرد، (۱۳۹۵)، سنجش سطح دارایی‌های معیشتی در مناطق روستایی با رویکرد معیشت پایدار (مطالعه موردی: روستاهای شهرستان تایباد)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۱، شماره ۱، صص ۲۶۱-۱۹۷
- طیب‌نیا، سیدهدادی، سعدی محمدی، سوران منوچهری، (۱۳۹۵)، تحلیل تأثیرات گردشگری بر کیفیت زندگی روستائیان (مطالعه موردی: بخش اورامان شهرستان سروآباد)، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۷۹-۱۶۳
- علی بابایی، مجتبی، محمود جمعه پور، (۱۳۹۵)، فرآیند و الگوی مهاجرت معکوس روستایی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه موردی: دهستان حاجیلو-شهرستان کبودرآهنگ)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی، سال ۵، شماره ۴، صص ۹۱-۱۰۵
- عنبری، موسی، (۱۳۸۹)، بررسی تحولات کیفیت زندگی در ایران ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵، توسعه روستایی (ماهنامه علوم اجتماعی)، دوره ۱، شماره ۲، پیاپی ۳۷، صص ۱۸۱-۱۴۹
- علیپور، خلیل، ابودر پایدار، (۱۳۹۵)، ارائه مدل آمایشی راهکارهای بهبود معیشت روستائیان با تأکید بر امنیت پایدار، فصلنامه جغرافیا و توسعه، شماره ۴۴، صص ۶۴-۴۵
- غفاری، غلامرضا، رضا امیدی، (۱۳۸۹)، کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۶، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۹-۳۳
- فراهانی، حسین، (۱۳۸۷)، سنجش و ارزیابی کیفیت زندگی روستائیان در بازسازی‌های پس از سانحه زلزله (موردی: دهستان شیروان)، نشریه اندیشه‌های جغرافیایی، سال ۳، شماره ۲۱، صص ۸۵-۶۸
- قاسمی، مریم، جعفر جوان، زهرا صابری، (۱۳۹۳)، تحلیلی بر علل شکل‌گیری مهاجرت معکوس در نواحی روستایی شهرستان بینالود، فصلنامه مطالعات مناطق خشک، سال ۱۴، شماره ۱۶، صص ۳۷-۱۵

- کریم زاده، حسین، محمد ولایی، رضا منافی آذر، (۱۳۹۵). نقش تنوع بخشی به فعالیت‌ها در پایداری اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت‌آباد میانی، شهرستان میاندوآب)، مجله آمایش جغرافیایی فضا، سال ۶، صص ۱۴۱-۱۲۹.
- محمدی، سعدی، خدیجه رستمی (۱۳۹۸) تدوین راهبردهای متنوع سازی اقتصاد روستاها مورد: بخش خاومیرآباد شهرستان مریوان، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۸، شماره ۲۸، صص ۲۲۱-۲۰۲
- محمدی، سعدی، بختیار راستگونیژاد (۱۳۹۷) بررسی تغییرات تاب‌آوری معیشتی خانوارهای روستایی در دو دوره سکونت در شهر و مهاجرت به روستاها مطالعه موردی دهستان دزلی شهرستان سروآباد، فصلنامه جغرافیا (فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیایی ایران)، سال ۱۶، شماره ۵۹، صص ۱۷۷-۱۶۱
- مهاجرانی، اصغر، زهرا روستا، (۱۳۹۳). بررسی مهاجرت معکوس و تأثیر آن بر توسعه اقتصادی، اجتماعی و تغییرات فرهنگی و سیاسی در روستاهای شهرستان‌های تنکابن و رامسر واقع در استان مازندران، فصلنامه مطالعات جامعه‌شناختی شهری، سال ۵، شماره ۱۳، صص ۱۹۴-۱۶۷.
- ولایی، محمد، بهروز محمدی یگانه (۱۳۹۳) تنوع بخشی به اقتصاد روستاها جهت تحقق توسعه پایدار مورد: دهستان مرحمت‌آباد شمالی شهرستان میاندوآب، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۳، شماره ۸، صص ۷۰-۵۴
- هزارجریبی، جعفر، سجاد مرادی، (۱۳۹۳). نشاط اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن (مطالعه‌ای در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی)، فصلنامه مطالعات ملی، سال ۱۵، شماره ۴، صص ۲۲-۳.
- یاسوری، مجید، فرهاد جوان، (۱۳۹۴) تحلیل محدودیت‌های تنوع بخشی اقتصاد روستایی مورد دهستان اشکور علیا، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۱۹-۳۷
- Assan, Joseph, 2014, **Livelihood Diversification and Sustainability of Rural Non-Farm Enterprises in Ghana**, Journal of Management and Sustainability; Vol. 4, No. 4. pp: 1-12.
- Cagliari, Roberto, 2010, **The possible effects in piedmont rdp and quality of life in rural areas, Rural development: governance, policy design and delivery** 'Ljubljana, Slovenia, August, pp ۲۵-۲۷.
- Ellis, Frank and Allison, Edward. 2004, **Livelihood diversification and natural resource access**, food and agriculture organization of the united nations Livelihood Support Programme (LSP). Overseas Development Group University of East Anglia UK.
- Ellis, Frank, 1999, **rural livelihood diversity in developing countries: evidence and policy implications**, the material that follows has been provided by the overseas development institute.
- Farrell, Maura and Mahon, Marie, 2012, **the rural as a return migration destination**, Europ. Countrys, No2, pp. 31-44.
- Farrell, Maura, Kairyte, Emilija, Nienaber, Birte, McDonagh, John, 2014, **Rural Return Migration: Comparative Analysis between Ireland and Lithuania**, Central and Eastern European Migration Review Vol. 3, No. 2, pp: 127-149 .
- Food and Agriculture Organization of the United Nations (FAO), ۲۰۱۶, **migration, agriculture and rural development addressing the root causes of migration and harnessing its potential for development**, at: <http://www.fao.org/3/a-i6064e.pdf>.
- Fouracre, Philips, 2001, **transport and sustainable rural livelihoods, rural transport knowledge base, rural travel and transport program**. Retrieved April 10, 2016 from: [https://www.ssatp.org/sites/ssatp/files/publications/HTML/rural transport/ knowledge base/English/Module%205/5_3a%20Sustainable%20Livelihoods.pdf](https://www.ssatp.org/sites/ssatp/files/publications/HTML/rural%20transport/knowledge_base/English/Module%205/5_3a%20Sustainable%20Livelihoods.pdf).
- Fryklund, Björn, 2013, **Theories and Typologies of Migration: An Overview and a Primer Willy Brandt Series of Working Papers in International Migration and Ethnic Relations**, Published by Malmö Institute for Studies of Migration, Diversity and Welfare (MIM) Malmö University.
- Guchteneire, Paul, 2004, **Managing Migration and Diversity in the Asia Pacific Region and Europe**, International Journal on Multicultural Societies (IJMS) Vol. 6, No. 2, pp 254-263.

- Haas, Hein and Fokkema, Tineke, 2015, **Return Migration as Failure or Success? The Determinants of Return Migration Intentions Among Moroccan Migrants in Europe**, Int. Migration & Integration, No. 16, pp 415-429.
- Haggblade, Steven, 2006, **Household Income Diversification into Rural Nonfarm Activities**, Chapter 8, Transforming the Rural Nonfarm Economy (Baltimore: Johns Hopkins University Press).
- Krug, Joachim, 2013, **Livelihood Assessment A participatory tool for natural resource dependent communities**, Thünen Working Paper, No. 7, <http://nbn-resolving.de/urn:nbn:de:gbv:253-201308-dn052272-8>.
- Ma, Zhongdong, 2001, **Urban labour-force experience as a determinant of rural occupation change: evidence from recent urban rural return migration in China**, Environment and Planning, volume 33, pp 237 – 255.
- Morse, S, 2013, **The Theory Behind the Sustainable Livelihood Approach**, Retrieved July 15, 2016 from <https://www.springer.com/978-94-007-6267-1>.
- Mphande, F.A., (2016), **Infectious Diseases and Rural Livelihood Systems in an Ecuadorian Agro socio ecosystem**, WORKSHOP 2, The Sustainability of Small Scale Farming, pp 195-201.
- Mukherjee, I, 2006, **understanding eco agriculture: a framework for measuring landscape performance**, Retrieved July 15, 2016 from: ecoagriculture.org/wp-content/uploads/2016/07/Brief-Guide-to-Selecting-Indicators-from-the-LMRC.pdf.
- Sonja, Forward, 2003, **State of the art report on Life Quality assessment in the field of transport and Research Institut mobility**, Swedish National Road and Transport, Linköping – Sweden
- Susniene, Dalia, 2009, **The Concepts of Quality of Life and Happiness – Correlation and Differences**, Inzinerine Ekonomika-Engineering Economics, no3, pp:58-63.
- Vanzerr, Mariah, 2011, **Recommendations Memo, Livability and Quality of Life Indicators, recommendations memo, livability and quality of life indicators**, at: https://www.researchgate.net/publication/236144445_Recommendations_Memo_2_Livability_and_Quality_of_Life_Indicators.
- Veenhoven, R, 2006, **The four qualities of life ordering concepts and measures of the good life**, Mark McGillivray & Mathew Clark (Eds.) 'Understanding Human: Well-being, United Nations University Press. Tokyo-New York-Paris.
- Warren, Patrizio, 2002, **Livelihoods Diversification and Enterprise Development**, food and agriculture organization of the united nations livelihood support Programme (LSP) An inter-departmental programme for Improving support for enhancing livelihoods of the rural poor.
- West-European Working Group, 2003, **Policy Vision for Sustainable Rural Economies in an Enlarged Europe**, Akademie für Raumforschung und Landesplanung.
- Xu, Hui, 2010, **Return migrants : The rise of new entrepreneurs in rural China**, groupe d'analyse et de théorie économique Lyon - st étienne.